

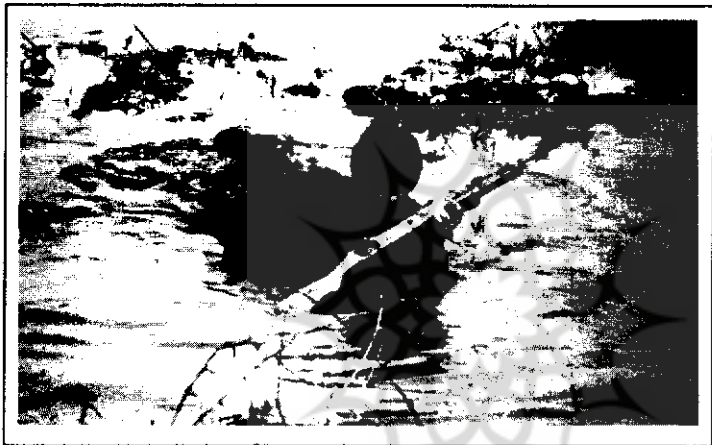
۱۲ سال پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸

روز ۲۷ تیرماه آغاز سیزدهمین سال پذیرش قطعنامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران بود؛ قطعنامه‌ای که بر یک تجاوز خونبار ۸ ساله علیه ملت ایران و تمامیت ارضی کشورمان نقطه پایان گذاشت.

این مناسبت، یعنی سالروز پایان جنگ، ایجاب می‌کرد شخصیت‌های مسئول و رسانه‌های گروهی علاوه بر گرامی‌داشت یاد شهدای جنگ و ارج‌گذاری به خدمات مردان و زنانی که در آن جنگ هشت ساله فداکاری‌های بی‌نظیری کردند، درباره تکلیف دریافت غرامت جنگی از عراق توضیحاتی می‌دادند. اما با ناباوری شاهد بودیم که کسی نه از شهدا و قهرمانان جنگ یادی کرد و نه درباره مطالبات ایران بابت خساراتی که از آن تجاوز تحمل کرده است، سخنی به میان آورد. تنها در یک جا از این موضوع سخن به میان آمد که همان سخن هم بازتابی نیافت. در یک کلام، می‌توان گفت با این جنگ و تبعات آن چنان برخورد می‌شود که گویی ربطی به نسل ما ندارد و جنگی بوده است به قدمت جنگ‌های ایران و یونان در عهد باستان! اگر چنین نیست، چرا پاسخ پرسشی که در گردهمایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در مورد یک بُعد از ابعاد این جنگ و چگونگی اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ طرح شد، در هیچ‌جا انعکاسی نیافت.

مقارن سالروز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ جلسه پرسش و پاسخی در انجمن یاد شده تشکیل شد که در آن آقای خرازی، وزیر، و آصفی، سخنگوی وزارت خارجه، به پرسش‌های حاضران پاسخ گفتند. در همین جلسه خانمی از اعضای تحریریه روزنامه «ایران نیوز» علل تأخیر در مطرح کردن بحث دریافت غرامت جنگی از عراق را جویا می‌شود. وزیر خارجه در پاسخ می‌گوید: خانم محترم... نمی‌دانم چقدر با متن خود قطعنامه آشنا هستید... در آن قطعنامه دو بند ۶ و ۷ وجود دارد. در بند ۶ دبیر کل [وقت] سازمان ملل موظف می‌شود که آغازگر

جنگ را مشخص می‌کند. بند ۷ هم مقرر داشته که باید کمیته‌ای تشکیل شود و با نظارت آن مطالبات دو کشور عراق و ایران از یکدیگر معین گردد، اما متأسفانه این کمیته (کمیته مطالبات) تاکنون کاری نکرده است و مسأله همچنان حل نشده، باقی است! (نقل به مضمون)



صدها هزار جوان و نوجوان جان برکف نهادند تا از میهن و آرمان‌های خویش دفاع کنند. قطعنامه ۵۹۸ پاسخگوی اینترگری آنها هست؟

یکی از همکاران «گزارش» که در این جلسه پرسش و پاسخ حضور داشت، همان روز شتابان به دفتر مجله آمد و ضمن نقل آن پرسش و پاسخ، با هیجان گفت: فردا روزنامه‌ها غوغا می‌کنند! اما روزنامه‌ها نه فقط غوغا نکردند، بلکه ما ندیدیم در جایی حتی اشاره‌ای به این پرسش و پاسخ پر معنی شده باشد. افکار عمومی ایرانیان چنین توجیه شده بود که مفهوم بند ۶ با توجه به اظهارات خاویر پرزدوکوئیاری دبیر کل وقت سازمان ملل متحد مبنی بر این‌که عراق جنگ را آغاز کرده، این است که عراق متجاوز شناخته شده، و لذا، مفهوم بند ۷ این است که کشور متجاوز، یعنی عراق، باید به ایران غرامت بپردازد. اما تعریفی که آقای خرازی از این دو بند در جلسه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ارائه داد،

تعریف تازه‌ای از مفهوم آنها را پیش رو قرار می‌دهد، مفهومی که اگر واقعیت داشته باشد، موضوع دریافت غرامت از عراق را زیر یک علامت سؤال بزرگ و آزاردهنده قرار می‌دهد. خاویر پرزدوکوئیاری خاطرات خود را در کتابی انتشار داده است که متأسفانه ما به متن اصلی آن

دسترسی نیافته‌ایم، اما برگردان این کتاب به فارسی، در یکی از روزنامه‌ها چاپ شده است. همان زمان که این ترجمه چاپ می‌شد، شنیدیم در بخشی که مربوط به اجرای بند ۶

قطعنامه (معرفی متجاوز) می‌شود، اطلاعات ارائه شده در متن فارسی با اصل متن مختصر تغییراتی دارد. ظاهراً دوکوئیاری در خاطرات خود نوشته که عراق را از این رو به عنوان آغازگر جنگ معرفی کرده است تا بتواند از نفوذ ایران برای آزادی گروگان‌های غربی در لبنان استفاده کند، اما در ترجمه فارسی، این بخش بنا به ملاحظاتی حذف شده است.

حتی اگر شایعه مربوط به تغییر این بخش از خاطرات آقای دوکوئیاری را بی‌اساس بدانیم، باز هم با تعریفی که آقای خرازی از مضمون و روح بند ۷ در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ارائه داده است، با حقیقتی تازه، اما تلخ مواجه می‌شویم. حقیقت این است که مفاد بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ حاکی از محکومیت عراق به پرداخت غرامت به ایران نیست، بلکه عراق و ایران را متساویاً

صاحب حق برای دریافت مطالبات خود از طرف مقابل می‌داند.

و نکته تأسف بارتر این که به موجب اظهار صریح آقای خرازی، وزیر امور خارجه، این کمیته کذائی هم «تاکنون کاری نکرده است!» شاید کسانی باشند که بنابه مصلحتی مدعی شوند این موضوع، نکته تازه‌ای را در بر ندارد، زیرا بلکه متن اصلی قطعنامه ۵۹۸ از همان ابتدا همین مفاهیم را در برداشته است.

ایراد کار، دقیقاً به همین مورد مربوط است. در ۱۲ سال گذشته، مقامات مسئول مفاد بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ را چنان تفسیر می‌کردند که همه باور کرده بودند که:

۱- چون خاویر پرزدو کوئیار عراق را آغازگر جنگ معرفی کرده، بنابراین عراق متجاوز است و لذا

۲- عراق به پرداخت غرامت به ایران محکوم خواهد شد و ایرانیان از محل این غرامت خواهند توانست بخشی از ویرانی‌های ناشی از تجاوز عراق علیه کشورشان را آباد کنند.

برای آن که مشخص شود چنین برداشتی تا چه حد در اذهان عمومی جا افتاده است فقط به ذکر یک شاهد بسنده می‌کنیم. روزنامه ایران در ۲۸/۴/۷۵، به مناسبت سالروز قبول قطعنامه ۵۹۸، با آقای دکتر علی خرم مشاور وزیر خارجه وقت (آقای دکتر ولایتی) مصاحبه‌ای مفصل انجام داد که دو فراز آن به این شرح است:

«... بندهای ۵، ۶ و ۷ [قطعنامه ۵۹۸] به ترتیب مربوط به عدم گسترش جنگ در خلیج فارس، تعیین آغازگر جنگ و تعیین خسارات ایران در طول جنگ است که قبلاً انجام شده است...»

«... سرانجام خاویر پرزدو کوئیار، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، چند روز پیش از پایان مأموریتش در آذرماه ۱۳۷۰، در گزارشی به شورای امنیت، ضمن تأیید حمله عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، عراق را به عنوان متجاوز معرفی کرد تا حقانیت دفاع ۸ ساله ملت ایران را به اثباتی دیگر برساند.» مردم ایران مشابه این سخنان نویدبخش و آرامش‌دهنده را سال‌های پیش صدها - و بلکه هزاران - بار از زبان مقامات طراز اول کشور شنیدند و باور کردند که می‌توانند شاهد دریافت حداقل بخشی از هزار میلیارد دلار خسارتی که

تجاوز عراق به ملت ایران وارد کرد، باشند. اما اینک رفته‌رفته معلوم می‌شود که آن امیدها جزو مصادیق وعده‌های سرخرمن بوده است.

وزیر خارجه کنونی تعریفی از مفاد بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ ارائه کرده که باورهای قبلی در مورد متجاوز شناخته شدن عراق و پرداخت غرامت به ایران را زیر سؤال برده است

توضیحی که آقای خرازی در مورد بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ داده، دلیل مسکوت گذاشتن موضوع دریافت غرامت از سوی مقامات مسئول ایران را توجیه می‌کند. ظاهراً آنها نیک می‌دانستند روح بندهای ۶ و ۷ چیست، اما برای آرام نگه داشتن افکار عمومی از تشریح ماهیت واقعی این دو بند خودداری می‌کردند.

مماشات و انفعال تا کی و کجا؟

به نظر می‌رسد قرائتی که وزیر کنونی امور خارجه ایران از بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ ارائه کرد، به واقعیت نزدیک‌تر است. اگر جز این بود باید در ۱۲ سال گذشته نیم قدمی برای دریافت غرامت از عراق برداشته می‌شد، که می‌دانیم نشده است.

مدتی پس از خاتمه جنگ ایران و عراق، ارتش عراق به کویت حمله برد و سپس مجبور

به تخلیه خاک این کشور شد. همان شورای امنیتی که قطعنامه ۵۹۸ را صادر کرده است، عراق را موظف به پرداخت غرامت به دولت و اتباع زیان‌دیده کویت کرد.

زیانی که کشور کوچک و کم‌جمعیت کویت از حمله ارتش عراق متحمل شد در مقایسه با زیان‌هایی که کشور و ملت ما از تجاوز عراق تحمل کردند، هیچ است. معهداً تا هم‌اکنون دولت و مردم کویت از محل صدور محموله‌های کنترل شده نفت عراق و نیز دارایی‌های دولت عراق در خارج، میلیاردها دلار غرامت دریافت کرده‌اند. اما در ایران، حتی در سالروز خاتمه یک جنگ خونبار، که ارتش متجاوز طی آن سیاست زمین سوخته را هم اجرا کرد، کلمه‌ای درباره دریافت غرامت بر زبان کسی جاری نمی‌شود.

انکارنه‌انکار که این ملت ۸ سال مداوم بهترین فرزندان خود را به میدان‌های جنگ گسیل می‌کرد تا با دست خالی از تمامیت ارضی و شرف ملی کشورشان دفاع کنند و در انجام این مأموریت صدتن صدتن و هزارتن هزارتن به شهادت برسند. گویی نه در ایران، که در سرزمینی دیگر بود که تا همین ۱۲ سال پیش موشک‌های اسکاد و هواپیماهای جنگی آتش مرگ و سلاح‌های شیمیایی را بر سر مردم عادی فرو می‌ریختند. و چنین به نظر می‌رسد که اصولاً بعضی‌ها فراموش کرده‌اند ملت ایران با یک جنگ هشت ساله، با تلفات انسانی سنگین و زیان‌های مادی غیرقابل احصاء، درگیر بوده است.

بنابراین اگر گفته شود عده‌ای پرونده جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران را بسته شده تلقی می‌کنند، نباید موجب تعجب شود.

این گروه، به دلایلی که خود باید توضیح دهند، در مورد جنگ و نحوه خاتمه آن اطلاعات و آگاهی‌های دلخواهی را در اختیار افکار عمومی می‌گذاشتند. پس از خاتمه جنگ نیز آنان مفاد قطعنامه ۵۹۸، و خصوصاً بندهای ۶ و ۷ آن را چنان تفسیر و تبیین می‌کردند که افکار عمومی را به نتیجه‌گیری نادرست وامی‌داشت. ظاهراً هدف این بوده که از خاصیت مرور زمان و قاعده فراموشکاری افکار عمومی، برای بستن پرونده جنگ استفاده شود! متأسفانه بحران‌های سیاسی داخلی از یک سو، و رویدادهای خارجی مرتبط با ایران از دیگر سو، به انجام این هدف کمک کرده است. اما این رویه عاملی شده است تا نطفه‌های بحران‌های

جدیدی علیه مردم ایران بسته شود. نگاهی به خط مشی ترکیه - دار و دسته طالبان در افغانستان - جمهوری آذربایجان و امارات متحده عربی در قبال ایران نشان می‌دهد سیاست مماشات با عراق و به فراموشی سپردن مطالبات حقه ملت ایران از دولت بعثی حاکم بر این کشور، تجزیه دیگران را باعث شده است.

عوامل طالبان با یورش به کنسولگری ایران در مزار شریف گروهی از دیپلمات‌های ایرانی را قتل عام کردند. همان وزارت خارجه‌ای که ماجرای مسخ شده قطعنامه ۵۹۸ را به روشی که شرح دادیم، قطره قطره به کام ملت ایران سرازیر کرد، تعقیب این جنایت را هم چنان زود به فراموشی سپرد که به راستی مایه حیرت است.

با چنین روشی عجیب نیست که امارات متحده عربی ادعای واهی خود در مورد مالکیت بر جزایر سه گانه ایرانی را هر روز جدی‌تر از روز پیش دنبال کند. همچنان که جای تعجب ندارد که یک مقام ارشد جمهوری آذربایجان، دولت ایران را متهم به اشغال بخشی از سرزمین‌های متعلق به ملت! آذربایجان کند و یا ترکیه هزار چندگاه یکبار، هواپیماهایش را برای بمباران بخش‌هایی از خاک ایران به پرواز درآورد.

برای آن که اثرات سیاست خارجی گذشته و کنونی ایران بر منافع درازمدت ملی به وضوح درک شود، آخرین رویداد خفت‌بار در رابطه با جزایر سه گانه ایرانی را به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۶۱۱۴ (شنبه اول مرداد ۱۳۷۹) درج می‌کنیم. این روزنامه در مطلبی با عنوان «خیانت رییس مجلس مصر به ایران» پس از ارائه شرح مختصری از حضور هیأت پارلمانی ایران در «اجلاس اتحادیه بین‌المجالس سازمان کنفرانس اسلامی» که از ۱۳ تا ۱۵ ماه سال جاری در قاهره تشکیل شد، می‌نویسد:

«... الف - هیأت پارلمانی ایران متشکل از آقایان [محسن] میردامادی و [محسن] آرمین به مدت سه روز از ۱۳ تا ۱۵/۴/۷۹ در دومین اجلاس اتحادیه بین‌المجالس کنفرانس اسلامی در قاهره شرکت نمودند. همان‌گونه که [مستحضر هستید این اتحادیه در سال گذشته به همت ایران شکل گرفت و دبیرخانه آن در تهران و دبیر کل آن آقای «ابراهیم عوف» از کشور مصر (معاون سابق دبیر کل کنفرانس اسلامی) انتخاب شد.

ب - در این اجلاس که ریاست آن را رییس مجلس خلق مصر برعهده داشت،



ویرانی‌های ناشی از جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران را هزار میلیارد دلار بر آورد کرده‌اند. تکلیف این زیان سرسام آور چه می‌شود؟

نماینده امارات درخواست نمود که بندی در بیانیه پایانی دال بر «اشغال جزایر امارات توسط ایران» گنجانده شود.

هیأت ایرانی به این امر اعتراض و طرح مسایل سیاسی و دوجانبه را برخلاف آیین‌نامه و روح تشکیل اتحادیه ذکر نمود. اما آقای «فتحی سرور» [رییس مجلس خلق مصر] در یک زد و بند سیاسی و تپانی پشت پرده با اعضای کمیته اجرایی اجلاس و بدون حضور و اطلاع هیأت ایرانی، این بند را در آخرین لحظات به بیانیه اضافه نمود. در جلسه این کمیته، «فتحی سرور» که ریاست آن را به عهده داشت، جهت اجتناب از پیامدهای بعدی و احتمال شکست اجلاس، از شرکت در آن خودداری و نائب رییس کمیته از کشورهای تحت نفوذ مصر بدون حضور گروه آسیایی و آفریقایی و تنها با حضور دو کشور مراکش و فلسطین (که مواضع تندى علیه جمهوری اسلامی اتخاذ نمود) به عنوان گروه عربی و چند عضو ناظر این موضوع مطرح و به عنوان یکی از بندها تصویب شده است.

ج - آقای میردامادی در اعتراض به این حرکت غیرقانونی و خلاف مقررات، با «فتحی سرور» ملاقات و خواهان حذف این بند از بیانیه پایانی شد. «فتحی سرور» که خود طراح این موضوع بود، فشار امارات را عامل این اقدام معرفی و اظهار نمود اگر من این بند را حذف نمایم، کشورهای عربی به شدت مرا مؤاخذه خواهند نمود و در حقیقت ایران باید بپذیرد که در مقابل یک کار انجام شده قرار گرفته است! در مقابل اصرار هیأت ایرانی

مبنی بر لزوم حذف این بند، «فتحی سرور» از موضع قدرت اظهار داشت: «ما که با یکدیگر روابط سیاسی

نداریم و من به عنوان

رییس اجلاس اجازه نمی‌دهم شما به این موضوع ادامه دهید، من تنها می‌توانم به شما یک هفته مهلت دهی تا طی درخواستی از رییس مجلس کشور مالی خواهان حذف این بند شوید و در صورت عدم موفقیت، این بیانیه به عنوان سند رسمی منتشر خواهد شد.»

شایان ذکر است روزنامه‌الاهرام (۷۹/۴/۱۵) متن بیانیه پایانی را با ذکر موضع امارات منتشر نمود و از انتشار یادداشت اعتراض هیأت ایرانی نیز خودداری کرد. به این علت آقای میردامادی مجبور شد پرواز خود را تا روز بعد جهت تهیه متن درخواست از رییس مجلس مالی به تعویق اندازد...»

«... جالب توجه است در مطبوعات و رسانه‌های مصر، قضیه جزایر ایرانی همانند اشغال سرزمین‌های عربی از سوی اسرائیل تبلیغ و تفسیر می‌شود و بعضی از مواقع، تصرف جزایر ایرانی توسط ایران از اشغال سرزمین‌های عربی توسط رژیم صهیونیستی، زشت‌تر جلوه داده می‌شود...»

روزنامه جمهوری اسلامی با حساسیتی شایان توجه یک موضوع ملی را زیر ذره‌بین نقد برده است. اما ای کاش تحلیل‌گر این روزنامه به جای آن که ریشه چنین رفتارهایی در مورد ایران را در خیانت این یا آن شخصیت خارجی جستجو کند، به نقد همه‌جانبه سیاست خارجی کشورمان می‌پرداخت.

در این صورت چه‌بسا نویسنده تحلیل «خیانت رییس مجلس مصر به ایران» نیز به این نتیجه می‌رسید که: از ماست که بر ماست!